

به وزیر خارجه فرانسه آقای مارکی دسل^۱

« ایلچی بزرگ دولت علیه ایران به وزیر دولت بهیة فرانسه اظهار می سازد که ساکت بودم در این مدت ، در باب بی زبانی و نادانی ترجمانان بقدر طاقت . اولاً اینکه یک ترجمان بس بود . موسی بیانکی^۲ اگر زبان ایرانی نمیداند زبان ترکی را بطوریکه من میفهمیدم میدانست و بهتر بود . موسی دگرانتر^۳ که زبان فارسی را نمیداند و چند کلمه ترکی میداند نیاید . امروز چون روزی بود که هر کس به تماشا میرفت ، ایلچی ایران از این دولت امید داشت که امروز بعزت به این تماشا رفته باشد . موسی دگرانتر گفت دولت اسب بشما نمیدهد و چون دولتین یکی میباشند پول دادم اسب کرایه کنم . گفت ممکن نیست . چون بر من یقین است که شما و دولت ، ازین مقدمه خبر ندارید و چند نفر از بزرگان آمده بودند با گاری^۴ و اسب که مرا به تماشا برند . مذکور ساختند که دولت از حرفهای موسی دگرانتر اطلاع ندارد . بنابراین لازم شد بشما که دوست من هستید و از شما کمال رضامندی دارم اطلاع بدهم که بدانید بمن چه گذشته است .

اما شخصی از اهل فرانسه در این جا موجود است که زبان فارسی را خوب
می گوید . باقی ایام بکام و سلطنت این شوکت پایدار باد بتاریخ نهم آوریل
سنه ۱۸۹۱ مسیحی «